

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه دانش آموزان متوسطه اول و دوم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...) می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنی تر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

مشکل – راه حل

در قصه‌های ساده، صرفاً یک مشکل برای قهرمان در نظر گرفته می‌شود. اما در بسیاری از داستان‌ها مشکل در دو یا چند مرحله رخ می‌دهد. اینگونه قصه‌ها طولانی‌تر و پیچیده‌تر هستند. مشکلاتی که قبل از مشکل اصلی بر سر راه قهرمان قرار می‌گیرند او (و همچنین مخاطب را) فریب می‌دهد. آن‌ها گمان می‌کنند با مشکل اصلی روبه‌رو شدند و تمام تلاششان را برای حل کردن آن انجام می‌دهند. اما پس از آن متوجه می‌شوند که مشکلات بزرگ‌تری پیش روی آن‌هاست. درواقع این برای امتحان کردن صبر و مقاومت آن‌ها رخ می‌دهد.

مشکل و راه حل اول، تفاوت چندانی با مشکل دوم ندارند. هیچوقت به این فکر نکنید که مشکل اول را با توجه به مشکل دوم بنویسید. زیرا در این صورت تلاش می‌کنید آن را ساده و پیش پا افتاده‌تر طراحی کنید. ابتدا بدون در نظر گرفتن مشکل دوم، مشکل اول را بنویسید. هرچقدر که می‌توانید، مشکل را دشوار در نظر بگیرید. (در مرحله‌ی بعد تلاش کنید مشکل دوم سخت‌تر از مشکل اول باشد).

ادامه‌ی قصه‌ی درس قبل را برای بچه‌ها بخوانید و این بار مشکل اول و راه حل آن را هم برای بچه‌ها بازگو کنید:

«چارلی با خانواده‌اش در یک خانه کوچک و فقیرانه زندگی می‌کند. او عاشق شکلات است، اما به دلیل فقر خانواده تنها یک بار در سال می‌تواند شکلات بخورد. (شروع) صاحب بزرگ‌ترین کارخانه شکلات‌سازی در جهان، اعلام می‌کند که پنج بلیط طلایی در شکلات‌هایش قرار داده است. کسانی که این بلیط‌ها را پیدا کنند، می‌توانند از کارخانه دیدن کنند و جوایز ویژه‌ای ببرند. یکی از آن بلیط‌ها در شکلاتی است که چارلی بعد از مدت‌ها خریده و می‌خواهد بخورد. (اتفاق غیر منتظره) چهار بچه‌ی دیگر نیز مانند چارلی به بلیط‌ها دست پیدا کرده‌اند. روز بازدید فرا می‌رسد و همه بچه‌ها با یکی از والدین خود به کارخانه می‌آیند و مشغول بازدید و گشت‌وگذار می‌شوند. یکی از جالب‌ترین اتفاقات در این کارخانه حضور موجوداتی کوچک شبیه به انسان است که به عنوان کارگر در کارخانه در حال کار هستند. صاحب کارخانه به آن‌ها می‌گوید که بچه‌ها باید مراحل را طی کنند و هرکس بتواند از همه‌ی آن‌ها بگذرد، به یک جایزه‌ی ارزشمند می‌رسد. در جریان این بازدید برای هریک از بچه‌ها اتفاقاتی رخ می‌دهد. (ساختن) یکی از بچه‌ها پسری چاق و شکمو است. وقتی رودخانه‌ی پر از شکلات ذوب شده را می‌بیند از خود بی‌خود می‌شود و به داخل رودخانه‌ی شکلات می‌افتد و حذف می‌شود. در ادامه یکی دیگر از بچه‌ها دختری خودخواه و با اعتماد به نفس کاذب است. به خاطر برنده شدن در چند مسابقه و کسب مدال خود را بالاتر از همه می‌داند. او چندماه است که در حال جویدن آدامس است تا بتواند رکورد جدیدی را ثبت کند. او هم در طی بازدید از کارخانه دچار حادثه می‌شود و جایزه‌ی بزرگ این چالش را از دست می‌دهد. در ادامه رئیس کارخانه و همراهان به اتاقی می‌رسند که سنجاب‌ها در حال جداکردن مغزهای خوراکی از پوسته‌شان هستند. یکی دیگر از بچه‌ها دختری لوس و زیاده‌خواه است و عادت کرده تا هرچیزی را که می‌خواهد پدرش فوراً برای او فراهم کند. او با دیدن این سنجاب‌ها از پدرش می‌خواهد تا یکی از آن‌ها را برایش بخرد. درنهایت او در حالی که سعی می‌کند یکی از سنجاب‌ها را برای خودش بردارد، به گودال زباله‌ها پرتاب می‌شود. چهارمین کودکی که در حین بازدید از کارخانه دچار حادثه می‌شود پسری باهوش و مسلط به مسائل علمی ولی خودشیفته و عصبی است که همه را بی‌سواد

و ابله می‌پندارد. او هم در نهایت بر اثر یک اتفاق جالب از گردونه‌ی رقابت حذف می‌شود و جایزه‌ی بزرگ را از دست می‌دهد.
(مشکل و راه حل) ... »

از بچه‌ها بخواهید قصه‌ی فوق را بررسی کنند و بگویند به نظرشان قهرمان به هدفش نزدیک شده یا خیر؟ آیا این مشکل می‌تواند تبدیل به مشکل بزرگ‌تری شود؟ برای مثال در داستان شنل قرمزی، او به زحمت می‌تواند سبد خوراکی‌ها را از چنگ گرگ بیرون بیاورد و خیالش راحت می‌شود. اما گرگ به خانه‌ی مادر بزرگ رفته، جای او را می‌گیرد، و مشکل بزرگ‌تری برای دخترک درست می‌کند.

تمرین:

۱/ ماجراهای زیر را برای بچه‌ها تعریف کنید و از آن‌ها بخواهید بگویند که چه‌طور این مشکل می‌تواند تبدیل به مشکل بزرگ‌تری شود؟

- خرگوش باهوش، جلوی در لانه‌ی مار آتش روشن می‌کند. دود داخل لانه می‌رود و مار با عجله بیرون آمده، از آن‌جا دور می‌شود. خرگوش خیالش راحت می‌شود که دیگر مار او و فرزندانش را تهدید نمی‌کند. اما ...
- لیلا به کمک دوستانش دیوارهای مدرسه را رنگ می‌کنند تا برای جشن آخر هفته آماده شود. اما ...
- پرنده‌ها نقشه‌ای می‌کشند و هرطور شده خودشان را از قفس نجات می‌دهند. آن‌ها از دست صاحبشان فرار کرده و در آسمان آبی پرواز می‌کنند. در همین حال که از حس رهایی لذت می‌برند، ناگهان ...

۲/ از بچه‌ها بخواهید در طول هفته، یکی از سه ماجرای فوق را انتخاب کرده، و با توجه به آن قصه‌ی چهار مرحله‌ی نخست کوه داستانی هفت مرحله‌ای (شروع، رویداد غیرمنتظره، ساختن و مشکل) را بنویسند.

مشکل اصلی (نقطه‌ی اوج)

مشکل یا همان چالش اصلی داستان، در این مرحله رخ می‌دهد. به این بخش نقطه‌ی اوج نیز می‌گویند. زیرا قهرمان در اوج مواجهه با چالش‌ها قرار می‌گیرد. بزرگ‌ترین و سخت‌ترین چالش او این‌جا رخ می‌دهد و گذشتن یا نگذشتن او از این بخش، در پایان داستان تاثیر مستقیمی دارد.

پیش از این شخصیت اصلی مشکل یا مشکلاتی را از پیش رو گذرانده و گمان می‌کند که دیگر پیروز میدان شده است. اما این‌جا می‌فهمد که هنوز برای رسیدن به رستگاری راه دشواری پیش رو دارد. این همان بخشی است که در پایه‌های قبل نیز مرور کردیم.

اگر می‌خواهیم در داستان‌مان بیش از یک مشکل داشته باشیم، باید توجه کنیم که مشکلات قبل از مشکل اصلی طوری طراحی شوند که حل کردن آن‌ها، منجر به مشکلی سخت‌تر و بزرگ‌تر شود. ادامه‌ی قصه‌ی درس‌های قبل را تا مرحله‌ی مشکل برای بچه‌ها بخوانید و از آن‌ها بخواهید در مورد آن گفت‌وگو کنند.

«چارلی با خانواده‌اش در یک خانه کوچک و فقیرانه زندگی می‌کند. او عاشق شکلات است، اما به دلیل فقر خانواده تنها یک بار در سال می‌تواند شکلات بخورد. (شروع) صاحب بزرگ‌ترین کارخانه شکلات‌سازی در جهان، اعلام می‌کند که پنج بلیط طلایی در شکلات‌هایش قرار داده است. کسانی که این بلیط‌ها را پیدا کنند، می‌توانند از کارخانه دیدن کنند و جوایز ویژه‌ای ببرند. یکی از آن بلیط‌ها در شکلاتی است که چارلی بعد از مدت‌ها خریده و می‌خواهد بخورد. (اتفاق غیر منتظره) چهار بچه‌ی دیگر نیز مانند چارلی به بلیط‌ها دست پیدا کرده‌اند. روز بازدید فرا می‌رسد و همه بچه‌ها با یکی از والدین خود به کارخانه می‌آیند و مشغول بازدید و گشت‌وگذار می‌شوند. یکی از جالب‌ترین اتفاقات در این کارخانه حضور موجوداتی کوچک شبیه به انسان است که به عنوان کارگر در کارخانه در حال کار هستند. صاحب کارخانه به آن‌ها می‌گوید که بچه‌ها باید مراحل را طی کنند و هرکس بتواند از همه‌ی آن‌ها بگذرد، به یک جایزه‌ی ارزشمند می‌رسد. در جریان این بازدید برای هریک از بچه‌ها اتفاقاتی رخ می‌دهد. (ساختن) یکی از بچه‌ها پسری چاق و شکمو است. وقتی رودخانه‌ی پر از شکلات ذوب شده را می‌بیند از خود بی‌خود می‌شود و به داخل رودخانه‌ی شکلات می‌افتد و حذف می‌شود. در ادامه یکی دیگر از بچه‌ها دختری خودخواه و با اعتماد به نفس کاذب است. به خاطر برنده شدن در چند مسابقه و کسب مدال خود را بالاتر از همه می‌داند. او چندماه است که در حال جویدن آدامس است تا بتواند رکورد جدیدی را ثبت کند. او هم در طی بازدید از کارخانه دچار حادثه می‌شود و جایزه‌ی بزرگ این چالش را از دست می‌دهد. در ادامه رئیس کارخانه و همراهان به اتاقی می‌رسند که سنجاب‌ها در حال جداکردن مغزهای خوراکی از پوسته‌شان هستند. یکی دیگر از بچه‌ها دختری لوس و زیاده‌خواه است و عادت کرده تا هرچیزی را که می‌خواهد پدرش فوراً برای او فراهم کند. او با دیدن این سنجاب‌ها از پدرش می‌خواهد تا یکی از آن‌ها را برایش بخرد. درنهایت او در حالی که سعی می‌کند یکی از سنجاب‌ها را برای خودش بردارد، به گودال زباله‌ها پرتاب می‌شود. چهارمین کودکی که در حین بازدید از کارخانه دچار حادثه می‌شود پسری باهوش و مسلط به مسائل علمی ولی خودشیفته و عصبی است که همه را بی‌سواد و ابله می‌پندارد. او هم درنهایت بر اثر یک اتفاق جالب از گردونه‌ی رقابت حذف می‌شود و جایزه‌ی بزرگ را از دست می‌دهد. (مشکل و راه حل) چارلی در آزمون‌ها پیروز می‌شود. رئیس کارخانه به او می‌گوید که تمام این مسابقات برای این برگزار شده

که او یک تار موی سفید روی سر خودش دیده و احساس می‌کند که باید برای خودش جانشینی انتخاب کند. حالا او می‌خواهد تمام کارخانه را به چارلی بدهد. اما چارلی باید همین‌جا بماند. چارلی بین ماندن و برگشتن پیش خانواده مردد است و برای انتخاب دچار تردید اساسی می‌شود. او بالاخره تصمیم می‌گیرد پیش خانواده‌اش برود. (مشکل اصلی) ... »

از بچه‌ها بخواهید در مورد این مسئله گفت‌وگو کنند که چه‌طور حل مشکلات قبلی مشکل را حل نکرده و مشکل بزرگ‌تری برای چارلی به وجود آورده است؟!

تمرین:

۱/ قصه‌ی آشنایی را انتخاب کنید که یک مشکل و راه حل دارد. آن را برای بچه‌ها تعریف کنید و از آن‌ها بخواهید بعد از حل مشکل اصلی، مشکل دیگری طراحی کنند. طوری که مشکل اصلی تبدیل به مشکل مرحله‌ی چهارم کوه داستان هفت مرحله‌ای شود. برای مثال: «روزی مادر جک گاوی به او می‌دهد و از او می‌خواهد به شهر برود و آن را بفروشد. اما سر او کلاه می‌گذارند و به جای سکه چند عدد لوبیا به او می‌دهند. جک وقتی متوجه می‌شود که سرش کلاه رفته، لوبیاها را از پنجره بیرون می‌اندازد. صبح روز بعد می‌بیند که لوبیا تبدیل به درخت بزرگی شده که به ابرها می‌رسد. از درخت بالا رفته، با غول مبارزه می‌کند و مرغ تخم طلای او را به دست می‌آورد. پیش از این که مرغ را با خود به خانه ببرد، اتفاقی می‌افتد ... »

۲/ از بچه‌ها بخواهید در خانه سه مورد مشکل و راه حل طراحی کنند که بعد از آن، مشکل بزرگ‌تری به وجود بیاید. هفته‌ی آینده ماجراها را با خود به کلاس بیاورند و در مورد آن‌ها گفت‌وگو کنند.